

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

تن پیش نویس

# اصول کلی تعین

دفتر مجامع مقدماتی فریستان

علوم اسلامی

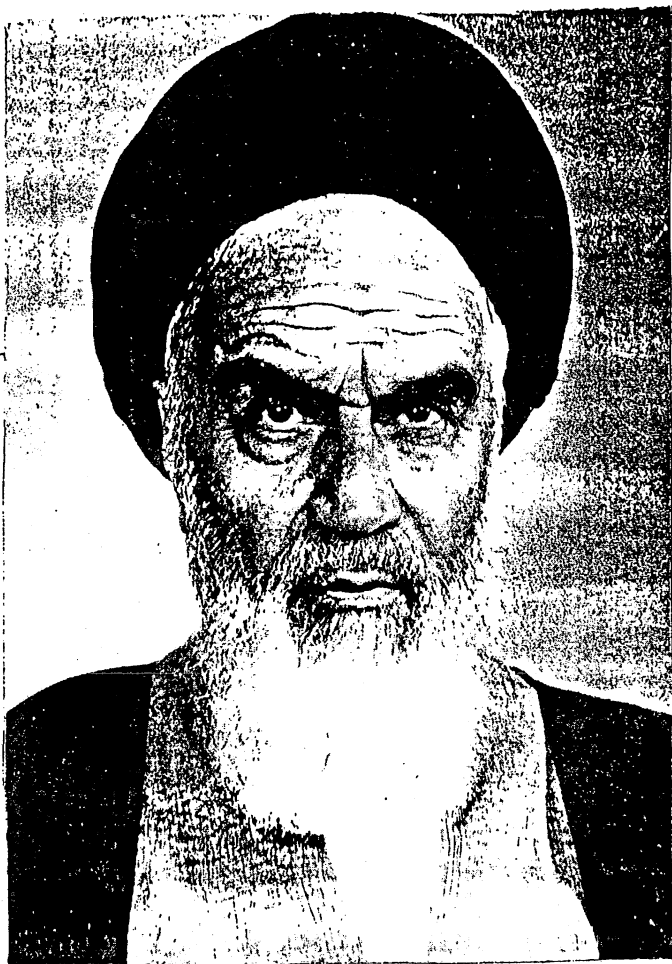
اسفندماه ۱۳۶۱

## بسمه تعالی

مقدمه :

پژوهشی که با هدفی خاص برای حل معضلات و مسائل پی ریزی می‌گردد بایست مبنا و روش و اولویت‌ها و شیوهء حرکت در تحقیق و طرزهماهنگی را مورد توجه قرار دهد هرچند آن روشی ساده باشد یا آنکه از پیچیده‌ترین و ژرفترین اندیشه‌ها بهره جوید و در مسیر رشد مرزهای تفکر بشری تلاش و پویایی پیگیر را آغاز نماید و موضوع پژوهش را در گسترهء فرهنگ یک مکتب قرار دهد، در هر صورت نخستین سنگ بنای پژوهش ضرورت طرح شدن شناسائی مبنا، روش، اولویت‌ها و طرز حرکت جمعی و هماهنگی آنست که دفترمجامع مقدماتی فرهنگستان علوم اسلامی در پی تاءسیس پایگاه چنین پژوهشی خواهد بود و لذا پیش‌نویس اصول کلی تعیین دفتر ارائه می‌نماید.

ومن الله توفیق



ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی  
فرهنگی استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از  
آنها امکان پذیر است . امام خمینی

اصل اول : تمدن حقه

دفترمجامع ، فرهنگ غنی "مذهب حقه جعفری اثنی عشری"  
را اساس مثن جریان "تبیین کیفیت پی ریزی" تمدن حقه  
در "جمیع شئون حیات" میداند .

\* \* \*

شرح :

این اصل بیانگر آنست که تحقق  
تمدنی که موجب رشد انسان در همه  
شئون حیات و در تمام تاریخ  
می باشد، جز بر پایه های استواری  
که حضرت حق فطرت رشد را  
بر آن قرار داده و توسط پیامبر  
اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به  
انسان ابلاغ گردیده است نمیتواند  
پی ریزی شود .

اصل دوم : احکام تمدن

دفترمجا مع ، " احراز احکام " مذهب حقه جعفری را مبتنی بر  
" منطق متقن استناد " که منحصر " روش اصولیین " و  
" طریق فقاہت سنتی " متداول حوزه های علمی — است  
میداند .

\* \* \*

شرح :

روش فقاہت سنتی با پشتوانه عظیم  
فکری و معنوی تنها روش منطقی  
است که بکارگیری آن دستیابی به  
وظائف عملی عباد را در برابر حضرت  
حسق ممکن ساخته و اسناد احکام را  
بحضرتش احراز می نماید ، زیرا  
روشهای برداشتی سازگار با سفسطه های  
الحادگران که در جهان بینی نفسی  
کننده وحی است نمی تواند عهده دار  
بررسی ، بیان و استناد احکام الهی  
گردد .

اصل سوم : موضوعات تمدن

دفترمجامع ، " احکام مذهب حقه جعفری " را اساس ضروری  
" تعیین تبیین موضوعات " دانسته و احراز هماهنگی متقن  
" روش شناسائی موضوعات " و " منطق استناد " را جزء  
لاینفک ضرورت فوق میدانند .

\* \* \*

شرح :

کفربرای شناسائی موضوعات عرفی  
تخصصی ، که درحیطه بدیهیات عرفی  
قرار نمی گیرند ، هم از اصول  
موضوعه ای بهره می گیرد که رشدانسان را  
متناقض با آنچه ادیان الهی معرفی  
نموده اند نتیجه میدهد ، وهم با  
روش دسته بندی سازگار با سفسطه های  
الحادی به جمع بندی ادراکات تخیلی  
نسبت به رشدانسان می پردازد .  
لذا این اصل تاءکید برآن دارد که از  
الحاد جز آشفنگی ، سرگردانی و نابسامانی  
بر نمی خیزد و از اینرو تعیین و استقرار  
شناسایی موضوع رشد و کمال انسانی  
منحصرا با نصب العین قرار دادن  
احکام حقه ، آنها تنها با روشی

که سازگار با منطق جهان بینی اسلامی  
باشد دست یافتنی است. به بیان  
دیگر منطق انطباق که ناظر بر  
موضوع شناسی است بایستی سازگار  
با منطق استناد که عهده دار استخراج  
احکام الهی است بوده و نیــــز  
هماهنگ با منطق جهان بینی باشد.  
بنابراین رشد ادراک در شناسائی  
موضوعات جز بر اساس احکام الهی  
سامان نمی یابد .



اصل چهارم : حرکت در تبیین موضوعات  
دفتر مجامع ، حرکت در " تعیین تبیین موضوعات " رامبتنی  
بر ضرورت " اصطکاک هماهنگ ادراکات " بر " مبنا و جهت  
واحد " میداند .

\* \* \*

شرح : این اصل روشنگران است که حرکت  
در تبیین ادراکات حقه باید در  
جریان برخورد آگاهانه اندیشه‌های  
مختلف صورت پذیرد . روشن است که  
در برخورد اندیشه حق با باطل ، حق  
جلوه خواهد یافت و آشکار خواهد  
گردید و باطل محو و ناپدید خواهد  
شد و این به مثابه پیروزی حق و  
نابودی باطل است . برای دستیابی  
به این امر ، بیگمان ، برخورد  
اندیشه‌ها باید هماهنگ و دارای مبنا  
و جهت واحد باشد ، که اگر این  
برخورد های ابعاد مختلف از ویژگی  
هماغازی ، همراستائی و هماهنگی  
برخورد نباشد ، جز تشنیت ، گمراهی ،  
آشفته‌گی و تنازع ببار نخواهد آورد .

اصل پنجم : نظام تبیین موضوعات

دفترمجامع ، تحقق " هماهنگی رشد عملکرد " رامبتنی بر  
ضرورت تعادل توان کیفی " استنتاجات - ارتباطات -  
امکانات " متناسب با " مراحل رشد ادراک " در " جمیع  
مراتب تشکل نظام " میداند .

\* \* \*

شرح :

اصل بالا تبیین این امر است که  
تاکنون درنوع تنظیمات اجتماعی ،  
توجه به آثار و پیا مدهای عمیل و  
خصیلت مشترک کار جمعی کم بوده است .  
از اینرو ، نیازهای زودگذر سطحی  
موجب شده است که در این تنظیمات ،  
بصورت انفعالی زمینه حرکت مدیریت  
بیکانه آماده گردد ، که برپا پیسه  
اینگونه مدیریت ، کفار با ترفند و  
رنگ های خاصی ، پس از به بن بست  
رساندن موضعی مسلمین ، سررشته امور  
را بدست گرفته و زمینه اجرای برنامه های  
تبهکارانه خود را فراهم میسازند .  
لذا ، در تنظیم نظام دفترمجامع به دو  
امر توجه شده است :  
الف : فرهنگی بودن نظام ، که براین

اساس ، رشد ادراکات ، پایه تقسیمات  
طولی مراتب نظام است و از پیامدهای  
آن توجه و جهت گیری دائم به اصل  
هدف میباشد .

ب : تعادل آثار عمل و رشد نظام ،  
که بر اساس تعادل کیفی قدرت ناشی  
از : " استنتاجات - ارتباطات -  
امکانات " لازم بدست می آید که پایه  
تقسیمات عرضی نظام بوده و از آثار  
آن عنایت به رشد هماهنگ در تداوم  
تاریخ است .

## اصل ششم : مشروعیت نظام

دفترمجامع ، " انسجام نظام " و " کیفیت اداره " را مبتنی بر ضرورت " جریان حقّه ولایت فقیه " در جمیع مراتب دانسته ؛ و تبعیت از " نظام جمهوری اسلامی ایران " را بر اساس " تنفیذ " رهبری الهی معظم " ولی فقیه " جزء لاینفک ضرورت فوق میدانند .

\* \* \*

شرح :

علاوه بر بیان طریق و اساس مشروعیت نظام ، تاءکید بر آن دارد که انسجام ، یکپارچگی و هماهنگی نظام ، ویژگی ذاتی جریان مدیریت الهی است . و مدیریت الهی است الهادی نقطه مقابل آن بوده نقطه مقابل ، مدیریت الهادی است ، کسه چون از انگیزش های فطری و سرشت خدائی مایه نمی گیرد ، انسجام آن تخلیلی و هماهنگیش تحمیلی بوده و خلصت ذاتی آن آشفستگی و نابسامانی است .



اصل هفتم : انسجام اصول

دفترمجامع ، " نظام " و کلیه " تنظیمات لازمه انسجام " و " تحقق برنامه های خود " را منحصرامبتنی بر "مجموعه اصول کلی تعیین دفترمجامع" دانسته و جز برایین اساس تمسک به اصول فوق الذکر را تخلف از " مبنای تعیین " میدانند .

\* \* \*

شرح :

این اصل ، کلیه اصول پیشگفته را مجموعه ای همبسته و یکپارچه ، بر اساس و جهت واحد ملاحظه نموده که با دستگاه و مدیریتی برخاسته از همان اساس و جهت ، زمینه اداره ادراکات را بر مبنای حق پی گیری می نماید .